

نقش دهقان در حاکمیت و استقلال ملی

بحثی را که اینک دنبال میکنیم از نظر عمومی یکی از مهمترین بحث های اجتماعی کشور ما و در لحظه فعلی ضرورت آن بخاطر آغاز تحولیست که اگر بذرستی رهبری شود، سیستم اجتماعی و اقتصادی کشور ما را از بن و اساس دگر گون میکند. بی شک کشور ما اکنون با بزرگترین حادثه تاریخی خویش رو به وست آنچه اکنون میگذرد بجزئیت هیتوان گفت که در نوع خود در کشور ما بی نظیر بوده است. گرچه هنوز فقط در آستانه یک تحول عظیم طبقاتی هستیم. گرچه هنوز نمیتوان تنها با آنچه میگذرد دل خوش داشت. با اینهمه بایستی این واقعیت تاریخی را پذیرفت که ملت ایران در کارچنان جنبش تازه ایست که در نتیجه همغزیر بنا اجتماعی را زیورو میکند. و روابط تولیدی کهن را مخصوصا در رشته اقتصاد کشاورزی در هم میریزد و بحرانی شدید اما موقتی وزود گذر در امر تولید و سپس ناگزیر در زندگی اجتماعی بیار میباورد. اما این طوفان هر قدر هم سهمناک باشد هر قدر هم شدید و بی امان

باشد میتواند فقط ترسوها را بذرزند . آنها ایکه برآز
تکامل اجتماعی و به جبر تاریخ واقعند میدانند که غریو و
غرش تندر چیزی جز پیک خوش خبر باران بهاری نیست
بگذار زنجیرها پاره شوند . بگذار پرومته از زندان
قرون و اعصار نجات یابد . بگذار پای ذهقان این (انته)
قهرمان بر زمین برسد تا نیروی شگرف خود را از رب
النوع زمین باز پس گیرد . تا کوردلان بدنه ادبه بیستند که او
چگونه قادر است نقش تاریخی خود را ایفا کند .

دهقان بنیان گذار مدنیت جهانست . دهقان سر آغاز
و دیباچه تمدن بشریت . دهقان نیروی واقعی مدافعان میهن
و سر زمین اجداد است . دهقان پر چمدار استقلال و پاسدار
صلح پایدار است .

ای آفریدگار این جهان هادی . ای پروردگار مقدس
خرمی در کجای بیشتر است ؟

اهورا مزدا پاسخ داد . جائی که گندم بیشتر
می روید .

پنجم جامع علوم انسانی
وندیدادج ۳ فر گرد چهارم

دهقان را بشناسیم

با پیدایش و آغاز کشت و زرع بر روی زمین دهه های گله ها نهاد ، انسان
های نیمه وحشی بمرور دوره بربریت و توحش را پشت سر می گذارند نوع بشر از
دل غارها و از فراز درختان انبوه جنگلها به دشتی های روشن و وسیع و به خانه های
گلی و چوبی نقل مکان می کنند . راه پیمایی بی مقصد کوچ نشینی و بیان گردی های
بی هدف در طول صد ها و صد ها قرن آهسته آهسته مت رونک می شد و انسان آواره و
سر گردان در کنار رودها و دریاها و در حاشیه جنگلها بر سطح آرام خاک قرار

میگرفت. سرزمین های مستعد را دست بشری ناشیانه زیر و رومیگرد. و با امیدی متزلزل همراه بارنجی جانکاه و پایان ناپذیر سرانجام، معاش و روزی خود را از دل خاک بیرون میکشد کار دسته جمعی و حس تعاون خانوادگی بالاتر میرود از جدائی و متلاشی شدن خانواده ها جلو گیری میکند. خانواده محکم تر میشود.

دهقان بنیان گز احمد نیت جرهان

از آن پس دشت ها و سرزمین های وسیع آبیاری میشوند و جماعتی با کاردسته جمعی پایه و بنیان جامعه را ابتداء در خانواده و سپس در دیهها و بمروز در قصباتی که بوجود میایند پی ریزی میکنند در کنار سرزمین های زراعتی بازارهای مبادله کالا بوجود میایند و کم نطفه شهرها در رحم بازارهای مبادله منعقد میگردد کار دسته جمعی دهقانان در مناطق زراعتی و کار انفرادی جماعات شهری در بازارها نوعی تعاون جدید و سپس قوانین اجتماعی را بوجود میاورد. چرخ زنان آهسته و بی شتاب میچرخد و به پیش میرود و مدنیت همراه با پیدایش دهقان پای به عرصه هستی وزندگی بشری میگذارد.

دهقان به مثابه اساسی ترین عامل وجودی ملت ها

در طی قرنها و قرنها احتیاج بمبادله روز افزون کالا راههای ارتباطی را بیشتر میکند کاروانها برآه میافتد شهرها ولایات بهم می پیوینند. مبادله کالا شکل وسیعتر و پیچیده تری بخود میگیرد و رشکل تازه خود بخرید و فروش بدل میشود پول سرعت گردش کالا را به مقیاس حیرت انگیزی بالامیبرد. خانواده ها قوم و قبایل نامهای جدیدی بسرزمین های خود میدهند و اقوام و قبایل دیگر آنها را بنام سرزمین هایشان میخوانند هر گوشای نامی میگیرد هر منطقه ای با اسمی خوانده میشود. دهات. قصبات. شهرستانها ولایات بوجود میایند و نام جدید میگیرند قوای تولیدی بمنابع بزرگترین نیروی محرک بشری همهجا را تکان میدهد همه چیز را جابجا و عوض میکند صدها و هزارها و ملیونها هردم را درهم میامیزد و سرانجام اقتصاد مشترک پایه گذار سن و آداب مشترک در زبان واحد در مرز و بوم جدیدی میشود

عشق نعلم کوفت بویرانه‌ام
 باده حق ریخت به پیمامنه‌ام
 داد صلا بر در جانانه‌ام
 از خود و عالم همه بیگانه‌ام
 حق طلبند همت والای من

ساقی میخانه بزم است
 ذره صفت شد همه ذرات پست
 ریخت بهر جام چو صهبا زدست
 باده زما مستشد و گشت هست
 از اثر نشئه صهبای من

عشق بهر لحظه ندا میکند
 هر که هوا ره ما میکند
 بر همه موجود صدا میکند
 گر حذر از موج بلا میکند
 پا ننهد بر لب دریای من

هندوی نوبت زن بام توام طایر سرگشته بدام توام
 مرغ شب آوین بشام توام میحوز خود زنده بنام توام
 گشته ز من درد من و مای من

بقیه نقیش دهقان

ملت‌ها پای بعرصه گیتی میگذارند و با خطوطی از موانع طبیعی کوه . دره .
 رودخانه . دریا خود را از یکدیگر متمایز میکنند و بخود و سرزمین خویش نام
 تازه‌ای میبخشند .

سرنوشت ملل جهان در طی تاریخ و اعصار کهن همان سرنوشت نیروهای
 مولده است و در آن میان دهقان بعنوان اولین طبقه تولید کننده بمنابعه دیباچه و
 سرآغاز تمدن بشر است .